
فساد دانشگاهی

گونه‌شناسی، روش سنجش، علل،
پی‌آمدها و راهبردهای مبارزه با آن

همراه با یافته‌های پیمایش فساد دانشگاهی

نوشته‌ی

داود حسینی‌هاشم‌زاده



فهرست

۹	پیش‌گفتار
۱۷	فصل یکم: مفهوم‌شناسی فساد و فساد آکادمیک
۱۷	مقدمه
۱۸	تعاریف فساد
۲۷	گونه‌شناسی فساد
۳۲	سنخ‌شناسی فساد بر حسب حوزه‌های ذی‌ربط
۳۵	فساد آموزشی / آکادمیک
۴۲	جمع‌بندی
	فصل دوم: بررسی وضعیت فساد و فساد دانشگاهی در ایران
۴۵	نگاهی به ادبیات و یافته‌های پژوهشی در باب فساد و فساد آکادمیک
۴۵	طرح بحث
۵۰	وضعیت فساد در ایران (یافته‌های بین‌المللی)
۵۶	ادراک از فساد در آموزش عالی (یافته‌های جهانی)
۶۰	ادراک از فساد در آموزش عالی / دانشگاه‌های ایران
	پیوست: ارائه‌ی یافته‌های پژوهش؛ بررسی وضعیت فساد دانشگاهی در
۶۹	دانشگاه‌های شهر تهران
۱۱۵	فصل سوم: گونه‌شناسی فساد در آموزش عالی
۱۱۵	مقدمه
۱۱۷	طرح بحث

۱۲۰	گونه‌شناسی فساد
۱۲۱	گونه‌شناسی / مصادیق فساد آکادمیک
۱۲۵	گونه‌شناسی فساد در آموزش عالی ایران
۱۲۶	گونه‌شناسی فساد در چارچوب کنش‌گران نهاد علم؛ شامل استاد، دانشجو، مدیر و کارمند
۱۴۲	تعامل فساد بین دانشگاه و سایر نهادها و سازمان‌ها
۱۴۳	گونه‌شناسی بر مبنای فساد در تولیدات علمی
۱۵۹	نتیجه‌گیری
۱۶۳	فصل چهارم: پیشنهاد مدل و روشی چندبعدی برای سنجش فساد در آموزش عالی
۱۶۳	مقدمه
۱۶۴	طرح مسئله
۱۷۴	مفروضات نظری طراحی مدل سنجش فساد دانشگاهی
۱۸۳	روش سنجش فساد دانشگاهی
۱۸۴	مدل سنجش فساد دانشگاهی
۱۸۶	اشکال فساد در آموزش عالی
۱۸۹	ماژول‌های سنجش فساد دانشگاهی
۱۹۶	تعبیر مقیاس نمرات شاخص
۲۱۰	نتیجه‌گیری
۲۱۳	فصل پنجم: زمینه‌ها، علل، پی‌آمدها و راهبردهای مبارزه با فساد دانشگاهی
۲۱۳	طرح بحث
۲۱۵	علل فساد
۲۲۰	علل فساد در آموزش عالی
۲۴۸	پی‌آمدهای فساد آموزش عالی
۲۵۸	راهبردهای مبارزه با فساد
۲۶۰	راهبردهای مبارزه با فساد در آموزش عالی
۲۷۶	جمع‌بندی
۲۷۹	منابع

پیش گفتار

دهه‌ی ۱۳۶۰ که جوان بودم اوقات فراغت و بخشی از زندگی‌ام در جلوی کتاب‌فروشی‌های میدان انقلاب سپری می‌شد، با اتوبوس خودم را به انقلاب می‌رساندم و چندساعتی را با لذت و یترین کتاب‌فروشی‌ها را نگاه می‌کردم، داخل‌شان می‌شدم و کتاب‌هایی که توجهم را جلب می‌کرد ورق می‌زدم و کتاب‌فروشی‌ها را یکی پس از دیگری به جست‌وجوی کتاب‌های مورد نظر می‌گشتم، به‌ویژه معدود دست‌دوم‌فروشی‌ها را که کتاب‌های قدیمی داشتند و قیمت‌شان کمتر از پشت جلد بود. چهره‌های آدم‌های خیابان انقلاب، چهره‌هایی آشنا و دوست‌داشتنی بود. به‌واسطه‌ی مراجعات زیادم، با برخی از کتاب‌فروشی‌ها دوست شده بودم و سفارش کتاب می‌دادم، همه‌ی این‌ها باعث شده بود یکی از علایق شغلی من کتاب‌فروشی شود. چند سالی بعد که به استخدام دانشگاه تهران درآمدم و محل کارم نزدیک کتاب‌فروشی‌ها شد، هر روز بخشی از وقت نهارم را به قدم‌زدن در جلوی کتاب‌فروشی‌ها و تماشای و یترین (تازه‌های کتاب) و داخل کتاب‌فروشی‌ها اختصاص می‌دادم و خوش می‌گذراندم! اما در یک دهه‌ی گذشته وقتی گذرم به خیابان انقلاب می‌افتد، دیگر از آن چهره‌های آشنا چندان خبری نیست، چهره‌ها نا آشنا هستند، چهره‌ها بیشتر مرا یاد بازاریان تهران می‌اندازد! می‌خواهم هر چه زودتر از آن جا بگریزم، یکی از مهم‌ترین دلایلمش، گریز از دست